

مهاجرت، حاشیه نشینی و آسیب های اجتماعی

غلامرضا خوش فر<sup>۷۵</sup>

سمیه خسروی<sup>۷۶</sup>

مجتبی حسین نژاد<sup>۷۷</sup>

چکیده

هدف این مطالعه شناخت اثرات مهاجرت و حاشیه نشینی بر آسیب های اجتماعی می باشد. مهاجرت عامل اصلی پیدایش حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی است و حاشیه نشینی خود به عنوان یکی از مسایل اجتماعی، پیامدها و آثار متفاوتی در سطوح خرد و کلان در جامعه به جای می گذارد. یکی از مهمترین حوزه های تأثیرگذار حاشیه نشینی، حوزه بسیار حساس آسیب های اجتماعی است. گسترش حاشیه نشینی در سطح خرد موجب ایجاد اختلال در امنیت روانی ساکنان شهرها و در سطح کلان موجب ایجاد انواع آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی می شود. حاشیه نشینان را در معنای عام شامل تمام کسانی می دانند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطبهای صنعتی و بازار کار می کشاند و اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می شوند. حاشیه نشینی مشکلات اجتماعی موجود در شهرها را تشدید کرده و آنها را گسترده تر می سازد. وجود حاشیه نشینان در مناطق حاشیه ای شهرها به لحاظ تقاضا برای استفاده از منابع آموزشی و پرورشی می تواند موجب افزایش فشار بر منابع موجود در این زمینه شود و یا اینکه سطح بی سوادی را افزایش دهد. در مناطق حاشیه نشین به دلایل ساختار فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی هنوز سطح باروری زنان در مقایسه با سایر زنان شهری از میزان بالاتری برخوردار می باشد. اختلاف سطح توسعه در زمینه

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گلستان [khoshfarf@yahoo.com](mailto:khoshfarf@yahoo.com)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه گلستان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه گلستان

های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا یکی از عوامل عمده مهاجرت روستاییان به شهرها و در نتیجه بروز و گسترش پدیده حاشیه نشینی است و تا زمانی که این اختلاف سطح از بین نرود، همچنان مهاجرت از روستا به شهرها و نیز ایجاد مناطقی به نام حاشیه ادامه دارد. با وجود مشکلات و مسایل مورد مطالعه در این مقاله، این عقیده که باید مناطق حاشیه نشینی را تخریب کرد قابل دفاع نمی باشد. لذا برای حل مسأله و رفع مشکلات موجود و کمک به کاهش آسیب های اجتماعی در سطوح خرد و کلان، می بایست با ساماندهی حاشیه نشینی و فراهم کردن امکانات مورد نیاز برای حاشیه نشینان و کم کردن فاصله و خلاء موجود بین آنها و شهرنشینان اقدامات لازم را در این زمینه انجام داد و انجام این امور که از لوازم و مقدمات پیشگیری و کاهش میزان جرایم و آسیب های اجتماعی در این مناطق است، امکان پذیر نمی باشد مگر با مشارکت و همکاری و همدلی کلیه دستگاه های ذیربط به ویژه سازمانها و نهادهای آموزشی، فرهنگی، انتظامی، رفاهی و قانونگذاری.

کلید واژه ها: مهاجرت، حاشیه نشینی، آسیبهای اجتماعی.

تحولات جمعیتی در سطح جهان نشانگر افزایش روز افزون جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی می باشد. به طوری که طبق برآورد ها برای اولین بار در طول تاریخ بشر در سال ۲۰۰۷ اکثریت جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (اسکلور و دیگران، ۲۰۰۵: ۳). به موزات افزایش جمعیت شهرنشین همواره مسایل و مشکلات جدیدی در این گونه جوامع مطرح می شود که از مهمترین آنها مسئله اسکان غیر رسمی می باشد. بی گمان اسکان غیررسمی در شهرهای موجود در نظام سرمایه داری پیرامونی از ابعاد وسیع تر و حادثتری برخوردار است. یکی از مهم ترین نمادها در شناخت اسکان غیررسمی شاخص ها و ویژگی های ساختاری مسکن می باشد. و حتی در بسیاری از موارد مهم ترین عامل تاثیر گذار در میزان رضایتمندی فرد از سکونت در یک محله مسکن و شرایط محیطی آن می باشد (وستاوی، ۲۰۰۶: ۱۸۷). مسکن در زمره اساسی ترین و حساس ترین بخش ها در برنامه ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی است. (عزیزی، ۱۳۷۸: ۷۱) به همراه خوراک و پوشاک از دیرباز به عنوان اصلی ترین و اساسی ترین نیاز گروههای انسانی مطرح بوده است. در واقع مسکن خردترین و کوچکترین شکل تجسم کالبدی رابطه متقابل انسان و محیط بوده و تبلور فضایی کارکرد حیاتی سکونت انسانی در ایفای نقش های اساسی وی می باشد (رهنمایی ۱۳۸۲: ۸). بنابراین به نظر می رسد یکی از بهترین راههای شناخت شیوه های گوناگون زندگی تاکید بر مسکن و شاخص ها و شرایط ساختاری آن می باشد. هم اکنون در حدود یک میلیارد نفر از مردم جهان، یا در واحدهای مسکونی غیر استاندارد و آلوده ها و حلبی آبادها زندگی می کنند یا اینکه اساساً پناهگاهی ندارند. در حدود یک صد میلیون نفر شب را در خیابانها، کوچهها زیر پلها و کنار قبرستانها به روز می رسانند.

طبق آمار موجود در کشورهای در حال توسعه ۵۰ درصد جمعیت شهری در آلودگی‌ها و مناطق حاشیه نشینی زندگی می‌کنند که در بعضی از شهرها این نسبت تا ۸۰ درصد افزایش می‌یابد.

تحولات جمعیتی در سطح جهان نشانگر افزایش روزافزون جمعیت جهان در شهرها، بویژه شهرهای بزرگ جهان سوم می‌باشد که در نتیجه این امر مناطق آلودگی‌ناشین و حاشیه‌نیز به سرعت گسترش خواهد یافت. از مهمترین مسائل و مشکلات این افزایش جمعیت، مسئله اسکان غیر رسمی می‌باشد که بی‌گمان در شهرهای موجود در نظام سرمایه‌داری پیرامونی نیز از ابعاد وسیع‌تر و جامع‌تری برخوردار است.

به طوری کلی اسکان غیررسمی در ایران پدیده‌ای رو به رشد است و در حقیقت یک نوع شیوه زندگی خاص محسوب می‌شود که چهره اکثر شهرهای بزرگ مقیاس کشوردارای نمادها و نشانه‌هایی از این پدیده هستند.

مفهوم حاشیه‌نشینی به موقعیتی از نابرابری اطلاق می‌شود که در آن طبقات مسلط اقتصادی - سیاسی به طور منظم و مداوم گروهها و طبقات تحت نفوذ و حاکمیت خود را از برخورداری منابع، منافع و امتیازات عمده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محروم می‌دارند، موانع پیش‌پاگذارد شده برای جدایی گروههای حاکم و محکوم اقتصادی و سیاسی نابرابریها را دائمی کرده و اقشار پایین را به لحاظ اقتصادی - سیاسی و اجتماعی حاشیه‌ای می‌کند. گاهی در فضاهای زیست‌انسانها شیوه‌های مختلفی از زیست‌نظیر شیوه‌های شهری، روستایی حاکم است که هر یک علی‌رغم داشتن نقاط مشترک زیستی، تفاوت‌های ساختاری دارند، چنانچه لوئیزورث در سال ۱۹۳۸ از شهرنشینی به عنوان شیوه خاص زندگی یاد می‌کند که با شیوه زندگی روستایی تفاوت‌های بسیاری دارد. گاه از حاشیه‌نشینی نیز در بطن

شیوه زندگی شهری به عنوان نوعی شیوه زندگی نام برده می شود که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و عشایری متفاوت بوده و با ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی مخصوص به خود بافت فیزیکی معینی را به وجود می آورد. حاشیه نشینان را در معنای عام شامل تمام کسانی می دانند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطبهای صنعتی و بازار کار می کشاند و اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می شوند. مارشال کلینارد می گوید: حاشیه نشینی که مسئله و عارضه ای شهری است، منشاء عمده بزهکاری و جرم (آسیب های اجتماعی) می باشد.

افزایش مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ منجر به افزایش مشکلات و ناهنجاری های اجتماعی در شهرهای بزرگ می شود. ترافیک افزایش می یابد، حاشیه نشینی توسعه می یابد، بی کاری مهاجرین منجر به توسعه شغل های کاذب و افزایش تنش های اجتماعی و فعالیت های مخمل آسایش و امنیت اجتماعی و در نهایت موجب افزایش آسیب های اجتماعی می گردد. افزایش تقاضای مسکن موجب ایجاد بحران های پی در پی مسکن و افزایش لجام گسیخته قیمت ها گردیده است. برنامه ریزی برای شهری که فرهنگ آن یک نواخت است، آسان است اما برنامه ریزی برای شهری مانند خرم آباد، بروجرد و ... که فرهنگ ها و خرده فرهنگهای مختلفی در آن وجود دارد، مشکل است. در بعضی مواقع، افرادی که از روستا به شهر مهاجرت می کنند، دچار افسردگی می شوند. نوجوان مهاجر در شهر سطح زندگی خود را با افراد بالاتر مقایسه می کند و این مقایسه و تلاش برای رسیدن به سطح بالاتر

زندگی اجتماعی، موجب به وجود آمدن آسیب های اجتماعی برای وی و دیگران می شود. اعتیاد، اختلال در رفتار افراد، استرس و ... از جمله این آسیب های اجتماعی است.

وجود جاذبه های شهری مانند پارکهای زیبا و تفریحی وامکانات ایاب و ذهاب، ساختمانهای شکیل و وجود مغازه های رنگارنگ از جمله پوشاکی، خوراکی و لوازم خانگی و غیره به مقدار زیاد در کنار یکدیگر و از طرفی روح تنوع طلبی جوانان را سیراب کرده که با محیط سرد و آرام روستا که ندرتاً اینچنین امکاناتی وجود دارد موثر در رشد مهاجرت می شود. در روستا هیچ گونه امکان کاری که مناسب با تحصیلاتش باشد نیست ناچاراً به شهر آمده و این جوان الگوی سایرین در روستا شده و مهاجرت را تشدید می کند. بنابراین با توجه به موضوع اصلی این مطالعه، ابتدا مفهوم حاشیه نشینی به عنوان پیامد مسلم مهاجرت مورد بررسی و دقت قرار می گیرد و سپس مفهوم آسیب های اجتماعی مورد مطالعه قرار می گیرد و پس از نشان دادن ارتباط بین حاشیه نشینی و آسیب های اجتماعی، و تبیین نقش حاشیه نشینی در ایجاد آسیب های اجتماعی، راهکارها و پیشنهادات ممکن برای بهبود و وضعیت موجود و کاهش آسیب های اجتماعی ارائه می شود.

## ۲- تاریخچه حاشیه نشینی

حاشیه نشینی یک پدیده اجتماعی است و این پدیده اختصاص به عصر فعلی نداشته و ریشه در ادوار و اعصار گذشته دارد و این پدیده هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود داشته و دارد. و تنها تفاوت آن در کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه، از حیث ریشه های تاریخی بوجود آورنده آن و رفتار کالبدی و اجتماعی آن می باشد. کشور ایران از این پدیده مصون نمانده منتهی شرایط حادی که در برخی از کشورها از جمله برزیل، هندوستان و پرو و برخی

کشورهای آفریقایی وجود دارد در کشور ما، حاکم نیست ولی از حیث قدمت مشابه سایر کشورها می باشد. در ایران پیش از آغاز دهه چهل شهر نشینی رشد کندی داشت و در آستانه دهه چهل حدود ۳۳ درصد از جمعیت کشور در شهرها زندگی می کردند. با اجرای طرح اصلاحات ارضی در آن دهه و افزایش درآمدهای نفتی در دهه پنجاه، رشد شهر نشینی شتاب بیشتری گرفت و این رشد چنان سرعت یافت که در سال ۱۳۵۷ جمعیت شهر نشین کشور به ۶۴ درصد رسید و در وضعیت فعلی مطمئناً این نسبت به سود شهر نشینی افزایش یافته است به طوری که حدود ۷۰ درصد جمعیت در نقاط شهری زندگی می کنند و چون قشر عظیمی از این حاشیه نشینان، مهاجرین از روستاها یا شهرهای کوچک هستند مشکل فرا روی آنها این است که کجا سکنی گزینند؟ آنها در پی تهیه زمین جهت احداث مسکن، به لحاظ ارزانی حاشیه و اطراف شهر به این مناطق روی می آورند و مناطقی را تشکیل می دهند که رفته رفته خود این مناطق خود تبدیل به شهری می شود با حاشیه های مملو از سکونتگاههای غیر رسمی. اسلام شهر تهران که در گذشته شادی شهر نامیده می شد، نمونه بارز آن است و این چنین است که حاشیه نشینی شکل گرفته و توسعه می یابد.

### ۳- حاشیه نشین کیست؟

حاشیه نشین شامل تمام کسانی است که در محدوده فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر حضور و سکونت دارند ولی نحوه اسکان و معیشت آنها از جامعه شهری کاملاً متمایز است و در نتیجه با جامعه شهری هماهنگ نشده اند.

### ۴- مفهوم حاشیه نشینی

صاحب نظران و کارشناسان مسائل شهری تعاریف متعددی از حاشیه نشینی ارائه کرده اند برخی عقیده دارند حاشیه نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می کنند ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی نشده اند. چارلز آبرامز حاشیه را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است. و نیز حاشیه نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می دانند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده اند. جاذبه شهر نشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطبهای صنعتی و بازارهای کار می کشاند و اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می شوند. و تعبیری که از حاشیه نشینی ارائه شده است، ساختمان یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می شود. البته به نظر می رسد که به تعبیر یاد شده باید اوصافی چون عدم امنیت، جرم زا بودن و نیز مامن و پناهگاه امن برای بزهکاران را اضافه نمود.

## ۵- علل پیدایش حاشیه نشینی

در خصوص ایجاد پدیده حاشیه نشینی علل مختلفی می تواند موثر باشد از جمله:

- ۱- کمی در آمد روسای خانوار و بالا بودن بهای زمین و هزینه ساخت و ساز رسمی و گرانی اجاره بها
- ۲- دافعه های مبدا ( مثل بی چیزی، نداشتن زمین ) موجب گریز ساکنین آن از زادگاههای خویش و سرازیر شدن آنها بسوی شهر ها می شود و هزینه بالای زندگی شهری موجب پدید آمدن کانونهای حاشیه نشینی می شود.



۳- عامل دیگر قطعه بندیهای بزرگ زمین است که موجب افزایش قیمت زمین شده و امکان خرید

زمین از افراد کم در آمد و کم بضاعت گرفته می شود و بناچار به مناطق حاشیه نشینی پناه می برند.

۴ - فقدان منطقه بندی و کاربری نامناسب زمین. اگر شهرها بصورت مناسب منطقه بندی و توسعه

نیابند زمینه برای ساخت و سازهای غیر مجاز فراهم شده و محلات زاغه نشینی بوجود خواهد آمد.

همچنین چنانچه زمینهای مناسب برای خانه سازی به کاربری صنایع و یا دیگر موارد کاربری اختصاص

یابد ممکن است محلات فقر نشین شکل بگیرند.

۵ - مهاجرت، از عوامل موثر در شکل گیری حاشیه نشینی است. مهاجرت اعم از مهاجرت افراد از

روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و نیز مهاجرت افراد از هسته داخلی شهر به حواشی

آن می باشد.

۶- علاوه بر این ها، در شکل گیری مناطق حاشیه نشینی حداقل در گسترش آن، نقش و تاثیر عملکرد

ادارات و دستگاههای دولتی و عمومی را نباید نادیده گرفت.

۶- نظریه های حاشیه نشینی

در کل می توان نظریات در مورد علل حاشیه نشینی را به دو گروه تقسیم کرد:

**الف) کارکردگراها و لیبرالها:** عمدتاً خاص کشورهای با نظام اقتصاد آزاد اداره می شوند، به ویژه

ایالات متحده امریکا است. بسیاری از محققان لیبرالیست، که از معتقدان و مبلغان مکتب کارکرد گرایی

می باشند، علت عمده ی حاشیه نشینی را ناشی از کارکرد جاذبه های شهری و دافعه های روستایی به

شمار می آورند. به نظر آنها افزایش جمعیت یکی از علل مهمی است که زمینه را برای مهاجرت مازاد

نیروی کار روستایی فراهم می آورد. «عدم دسترسی مهاجرین به مشاغل اقتصادی شهری، همراه با فقر

اقتصادی و عدم تخصص آنها موجب می‌شود که آنها مجبور شوند آلودگی‌ها و زاغه‌هایی را که در اغلب موارد، فاقد هرگونه تسهیلات شهری، از قبیل آب و برق و تلفن است، برای زندگی برگزینند.»

برخی دیگر از کارکرد گرایان به عوامل دیگری، غیر از افزایش جمعیت تأکید نموده‌اند، به عنوان مثال هوم هویت<sup>۷۸</sup> عوامل فیزیکی، مانند زمین‌های رها شده و اراضی نامناسب شهری، و آبرامز<sup>۷۹</sup>، بالابودن قیمت زمین و مسکن و برخی دیگر، عوامل اقلیمی را زمینه ساز هجوم مهاجران به مناطق خاصی از شهرها و ایجاد حاشیه نشینی و زاغه نشینی می‌دانند.

**ب) دیدگاه ساختارگرایان و رادیکالیست‌ها:** رادیکالیست‌ها، که عمدتاً از دیدگاه اقتصاد سیاسی به مسائل می‌نگرند، اگر چه در قبول این اصل، که حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه، نتیجه‌ی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ می‌باشد، با کارکردگراها هم عقیده هستند، لیکن برخلاف کارکردگراها، این مهاجرت‌ها را ناشی از خصوصیات کارکردی شهرها نمی‌دانند، بلکه ساختار اقتصادی نابسامان کشورهای در حال توسعه را، که ناشی از ادغام کشورهای مزبور در نظام اقتصادی و تجارت جهانی است، در این امر دخیل می‌دانند. تحلیل گران اقتصاد سیاسی معتقدند: «هنگامی که مناطق دارای اقتصاد معیشتی به جرگه‌ی بازار وارد می‌شوند... تولیدات بومی... جای خود را غالباً به یکی دو محصول عمده خواهند داد و... جمعیت زیادی به علت دگرگونی ساخت‌های تولیدی، به صورت نیروی کار آزاد شده درآمده، موج‌های عظیم مهاجرتی را موجب می‌شوند.»

یکی دیگر از عواملی که به عقیده‌ی رادیکالیست‌ها، زمینه‌ی حاشیه‌نشینی را فراهم می‌آورد، اقتباس کشورهای در حال توسعه از الگوهای توسعه‌ی کشورهای سرمایه داری صنعتی می‌باشد. این تحلیل

---

<sup>78</sup> - Home Hoyt

<sup>79</sup> - Abrams

گران معتقدند چنین الگوهایی به دلیل آنکه صنعت محور هستند، ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه را در هم می‌ریزد. یکی از نتایج منطقی چنین الگوهایی (مانند: الگوی توسعه‌ی خطی روستو و راهبرد قطبی رشد)، که توسط مکتب نوسازی (Modernization) تبلیغ و ترویج می‌شود، افزایش جمعیت شهری و ایجاد شهرهای مسلط با جاذبه‌های شغلی و خدماتی، آن هم در شرایطی است که به دلیل برهم ریختن ساختار اقتصاد سنتی، بخش کشاورزی تحت‌الشعاع صنعت مونتاژ و فعالیت‌های بخش خدمات قرار گرفته و مازاد نیروی کار روستایی را ناگزیر از مهاجرت به شهرهای بزرگ می‌نماید.

دیدگاه نوسازی که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان رویکردی غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شده است، یکی از عوامل مهم برهم ریختن ساختار اقتصاد سنتی و رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. به موجب این دیدگاه «پیوندی تنگاتنگ بین شهری شدن و توسعه وجود دارد، به گونه‌ای که توسعه یافتگی را مترادف با شهری شدن در نظر می‌گیرند».

به طور کلی می‌توان گفت تحلیل گران اقتصاد سیاسی، با اعلام این شعار که: ساختار درونی کشورهای جهان سوم بخشی از نظام جهانی تولید و مصرف است، سعی می‌کنند نقش عوامل ساختاری در مشکلات شهری و از جمله حاشیه نشینی و زاغه نشینی را تبیین نمایند (احمدیان، ۱۳۸۳).

#### ۷- سطوح تحلیل مهاجرت و حاشیه نشینی در ایران

درمورد خاص ایران باید عوامل مهاجرت از روستا به شهر را باید در سه سطح بررسی کرد.

(۱) در سطح فراملی: برون‌زا بودن اقتصاد و وابستگی به نظام اقتصاد جهانی؛ هر چند با تحولات بعد از انقلاب، تلاش‌های موفقیت‌آمیزی در جهت کاهش این وابستگی به عمل آمده است.

۲) در سطح ملی: عدم توجه کافی به نقاط روستایی و بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور. در این مورد باید اشاره کنیم که در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی اقدامات اساسی زیادی در جهت خدمات رسانی به نقاط روستایی صورت گرفت، ولی به دلیل همراه نبودن این اقدامات با گسترش زمینه‌های اشتغال در نقاط روستایی و همزمان با آن، افزایش جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرهای بزرگ، روند مهاجرت روستاییان کماکان ادامه پیدا کرد.

۳) در سطح محلی: با توجه به تأخیری که در موج شهرنشینی ایران نسبت به کشورهای غربی صورت گرفته است، مدیریت‌های شهری، تجربیات و ابزار علمی کافی برای مقابله با مشکلات شهری و از جمله حاشیه نشینی را نداشته‌اند. اگر چه اقدامات موثری در سال‌های بعد از انقلاب، جهت تقویت مدیریت‌ها و سازمان‌های شهری به عمل آمده است. لیکن به دلیل کافی نبودن این اقدامات از سویی و انتقال دائمی مشکلات روستایی به شهرهای بزرگ از سوی دیگر، مدیریت‌های شهری موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند. شوماخر در ارتباط با انتقال مشکلات روستاها به نقاط شهری اظهار می‌دارد: بیکاری روستایی موجب مهاجرت‌های توده‌وار به شهرها می‌گردد... [و در حقیقت] بیکاری روستایی به بیکاری شهری مبدل می‌شود (احمدیان، ۱۳۸۳).

۸- اوصاف عمومی مناطق حاشیه نشین

۱- **سیمای نامطلوب:** عمده ترین نماد جهانی حاشیه نشینی سیمای نامطلوب آن است که احساس و وجدان و دیدگان آدمی را می‌آزارد، ساختمانها تخریب شده و فرسوده شده نشان می‌دهد. گذرگاهها و معابر پرپیچ‌وخم و کم عرض بوده و معمولاً راه دسترسی خودروهایی امداد اعم از آتش‌نشانی، اورژانس و پلیس در مواقع بروز حوادث و خطرات وجود ندارد.

۲- پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی: حاشیه نشینها فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و حتی ملی هستند و اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست در چنین مناطقی شایع است. انباشت زباله ها و عدم جمع آوری آنها، جریان فاضلاب منازل در کوچه ها و عدم دفع بهداشتی آن، آلودگی های صوتی و آلودگی هوا و غیره در این محلات مشهود است.

۳- فقدان شغل رسمی و در آمد کافی: اکثر خانواده های حاشیه نشینی شغل رسمی برای تامین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص و سرمایه گذاری می باشند به مشاغل کاذب و بعضاً مجرمانه مثل دست فروشی، کوپن فروشی، تکدی گری، زباله دزدی، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می آورند. بر حسب آمارهای موجود حدود ۲۰ درصد افراد این مناطق فاقد شغل می باشند.

۴- وجود خرده فرهنگهای خاص مناطق کوچک: در مناطق حاشیه نشین خرده فرهنگهای خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند مشاهده می شود. این فرهنگها بسیار دیر جذب فرهنگهای شهری می شوند و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آنها برای اجرای برنامه های مختلف اجتماعی، چون بهداشت و تنظیم خانواده و غیره مشکل می کند.

۵- اعتیاد: از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، فقدان برنامه صحیح جهت پر کردن اوقات فراغت، نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می توان نام برد معمولاً در

مناطق حاشیه نشین بسیاری از این عوامل قابل رؤیت است و بدان جهت اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان این مناطق و همچنین خرید و فروش مواد افیونی روز به روز افزایش می‌یابد.

#### ۹- چگونگی تکوین زندگی در حاشیه شهر

با توجه به عوامل ذکر شده در قبل (رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت به صورگوناگون) و کمبود مسکن متناسب با توان و نیاز متقاضیان، مخصوصاً اقشار آسیب پذیر و کم درآمد، این افراد برای تامین سرپناه با استفاده از راه‌های ممکن و سهل (نه قانونی و منطقی) اقدام می‌نمایند. تدریجاً با توسعه این سکونتگاه‌های غیررسمی و نامطمئن نقاط جمعیتی جدید در حاشیه شهرها شکل گرفته و مالکین یاد شده ضمن گذر از انجام عمل ناممکن تفکیک اراضی زراعی و باغات و کسب درآمدهای کلان و نامشروع، متقاضیان درمانده را در مقابل قانون و دستگاه‌های اجرائی قرار می‌دهند. در فرآیند این توسعه ناخواسته یک اتفاق تلخ و ناگوار دیگر اما پنهان رخ می‌نماید و در حال وقوع است: در گستره کشور ما با توجه به مشخصات اقلیمی و جغرافیایی، قسمت اعظم سرزمین ما را کوه‌ها، تپه‌ها، دریاچه‌ها، دریاها، رودها، رودخانه‌ها و... و قسمت عمده‌ای را اراضی کویری و شوره‌زارها شکل داده و قسمت محدودی، اراضی با خاک زراعی و مناسب کشاورزی به شکل مزرعه، مرتع، جنگل و... وجود دارد که متأسفانه هر سال سطح قابل توجهی از این اراضی با ارزش، به کویرتبدیل شده و از سطح اراضی کشاورزی کاسته می‌شود.

#### ۱۰- جهات تاثیر گذار محیط زندگی بر ارتکاب جرایم

قطعا در وقوع جرم محیط اعم از محیط اجتماعی و محیط زندگی تاثیر بسزایی دارد. و این امر به اثبات رسیده و در حال حاضر جرم شناسان، جامعه شناسان و حقوقدانان آن را مورد پذیرش قرار داده اند و نظریات و نتیجه تحقیقاتی که انجام شده و به برخی از آنها اشاره شد مبین تاثیر گذاری محیط در وقوع جرایم می باشد.

#### ۱۱- پیامدهای اجتماعی مهاجرت

از دیدگاه و زاویه جامعه شناسی شهری، برخی از مسائل مانند مهاجرت روستایی، آلودگی ناشی، میزان بالای بیکاری، بالا بودن امراض در نتیجه آلودگی های هوایی، صوتی و نیز نارسایی های حمل و نقل عمومی و تجهیزات شهری، ممکن است به ناهنجاری هایی تبدیل شوند که نتیجه ی آن معضلات اجتماعی و چالش های جدی در شهرها باشد. در بررسی های به عمل آمده، سلامت و امنیت شهری دو جنبه داخلی و خارجی دارد. به عبارت دیگر، سلامت و امنیت شهری از دو روزه با تهدید روبروست که عدم تعادل های ناشی از آن می تواند موجب بروز مشکلات متعدد شود. تهدیدات خارج از مرزهای سیاسی امنیتی که امنیت یک شهر را به خطر انداخته و حیات عادی شهر را دستخوش تغییرات اساسی می نماید. از این تهدیدات، تحت عنوان جنبه خارجی سلامت و امنیت شهری یاد می کنند، مواردی چون حمله مستقیم زمینی، حملات هوایی، موشکی و بمباران شهری در این حیطه هستند.

از سویی، سلامت و امنیت یک شهر می تواند از درون فضای شهری و نواحی پیرامونی آن (حوزه های نفوذ شهری) نیز تهدید شود که در این مورد با جنبه های داخلی سلامت و امنیت شهری مرتبط است. در این حیطه، مواردی چون اقسام ناآرامی های شهری، جنگ مسلحانه شهری، خرابکاری و اغتشاش

که بیشتر در اثر نبود تعادل عواملی امنیتی در واحد ملی و بروز شرایط مساعد برای چنین نمودهایی پدید می آیند، می گنجند.

گرچه پیامدهای مهاجرت ها را باید بسته به نوع مهاجرت تشریح و تحلیل کرد اما می توان فارغ از انواع مهاجرت ها، پیامدهای کلی و مشترک آن ها را برشمرد. برخی از پیامدهای عمومی مهاجرتها عبارتند از:

#### ۱- افزایش یا کاهش تعداد جمعیت:

مهاجرت ها به هر شکلی که جریان یابند باعث افزایش جمعیت نقاط مهاجر پذیر و کاهش جمعیت نقاط مهاجر فرصت می شوند. این تغییر تعداد جمعیت می توان به صورت تند ر یک دوره کوتاه مدت بیش آید یا آن که به صورتی مستمر و طولانی که وجه غالب مهاجرت ها هستند، جریان یابد مانند مهاجرت های روستا و شهر، مهاجرت از اقصی نقاط کشور به شهرهای بزرگ یا کلان شهرها؛ مهاجرت های گسترده و کوتاه مدت در پی حوادث طبیعی، سیاسی . نظایر آن بیش می آید و پس از مدتی فروکش می کند. این مهاجرت ها می توانند پس از گذراندن دوران اوج خود به مهاجرت های کند . طولانی تبدیل شوند.

#### ۲- تغییر ترکیب جمعیت:

این تغییر به طور عمده به دو صورت تغییر در ترکیب جنسی و تغییر در ترکیب سنی خودنمایی می کند و تغییر در ترکیب قومیت ها و ویژگی های اقتصادی و اجتماعی را نیز به دنبال می آورد. در مواردی که مهاجرت ها به شکل خانواری انجام می گیرد، تأثیر چندانی بر ترکیب جنسی و سنی جمعیت باقی نمی گذارد. مگر آنکه ساختار جمعیتی مبدأ مهاجرتی، تفاوت های بارزی با ساختار



جمعیتی مقصد مهاجرتی داشته باشد اما در بسیاری از موارد نسبت مردان در بین مهاجران بیش از زنان است. در این حالت مهاجرت باعث افزایش نسبت جنسی جمعیت در منطقه مهاجر پذیر و کاهش آن در منطقه مهاجر فرست می شود.

### ۳- تسریع رشد جمعیت شهری و کاهش رشد جمعیت روستایی:

مهاجرت ها یکی از عوامل برانگیزاننده رشد شهری بوده و مهاجران اغلب به قصد استقرار در نقاط شهری به ویژه شهرهای بزرگ به این اقدام دست می زنند. شواهد نشان می دهد که اثر مهاجرت در افزایش جمعیت شهری در کل منطقه اسکاپ و نواحی آسیای شرقی و آسیای جنوب شرقی بیش از اثر رشد طبیعی جمعیت است.

### ۴- پیامدهای اقتصادی مهاجرت ها:

از عمده ترین پیامدهای اقتصادی مهاجرت ها، تفاوت دستمزدها و شرایط کاری مهاجران با کارگران بومی است که نوعی دوگانگی در بازار کار را به وجود می آورد. در برخی از کشورها امکان کار و فعالیت برای همه مهاجران یکسان نیست و این تفاوت با گذر زمان رو به کاهش می گذارد. مهاجرت ها نقش مهمی در انتقال سرمایه و تجارب به کشورهای مهاجر فرست بازی می کنند.

پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مهاجرت؛ یکی از پیامدهای عمده مهاجرتی، آشنایی مردم با فرهنگ و تمدن مختلف است. نقش مهاجرت در تداخل فرهنگ ها و پویایی فرهنگی جوامع در طول تاریخ بشر ذهن بسیاری از متفکران و صاحب نظران را به خود مشغول داشته و تحقیقات فراوانی در این زمینه صورت گرفته است.

### ۵- از نقطه نظر فرهنگی:

نکته مورد اهمیت در تمام مهاجرت ها، یکسان بودن فرهنگ مبدأ و مقصد است. چنان چه تفاوت های فرهنگی میان مبدأ و مقصد مهاجرت وجود داشته باشد، بحث تأثیر پذیری مهاجران از فرهنگ مقصد یا تأثیرگذاری آن ها در فرهنگ مقصد، مد نظر قرار می گیرد. مهاجران به طور معمول ضمن اخذ برخی از ویژگی های فرهنگی مقصد، بعضی از ویژگی های فرهنگی مبدأ را نیز حفظ می کنند. به این ترتیب در دراز مدت ویژگی های فرهنگ آنان به فرهنگ بینابین فرهنگ مبدأ و مقصد تبدیل می شود. سپس در بین نسل های بعدی این مهاجران به تدریج ویژگی های فرهنگ مقصد، غلبه بیشتری پیدا می کند. اگر گروهی مهاجران دارای ویژگی های فرهنگی غنی و قوی باشند، اقلیتی فرهنگی را در مقصد مهاجرت تشکیل می دهند و چه بسا فرهنگ مقصد را متأثر می سازند. گرچه پذیرش فرهنگ های گوناگون به وسیله مهاجران و ساکنان بومی در ابتدا با مقاومت و عکس العمل های منفی همراه است اما آن چه در آغاز به شکل برخورد تمدن ها خودنمایی می کند، در نهایت از بده بستان های فرهنگی آن ها، فرهنگ های متعالی تری به وجود می آید.

جدول شماره ۱: مهاجرت های بین استانی و خالص مهاجرت طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ به تفکیک

منطقه محل سکونت

استان	کل			روستایی			شهری		
	خارج شدگان	واردشدگان	خالص مهاجرت	خارج شدگان	وارد شدگان	خالص مهاجرت	خارج شدگان	وارد شدگان	خالص مهاجرت
آذربایجان شرقی	۳۰۲۴۶	۱۶۱۹۸۰	۱۴۰۴۸	۲۴۶۲۰	۱۱۳۴۰	۱۳۲۸۰	۵۶۲۵۱	۴۸۵۸۰	-۷۶۷۱
آذربایجان غربی	۱۴۸۷۲	۱۲۲۷۷۷	۲۵۹۴۳	۱۰۶۶۰	۸۲۵۴۲	۲۴۰۵۸	۴۴۱۲۰	۴۰۲۳۵	-۱۸۸۵
اردبیل	۱۳۴۷۷	۷۹۶۲۱	۵۵۱۵۷	۱۱۳۷۷	۵۷۳۱۷	۵۶۴۵۴	۲۱۰۰۷	۲۲۳۰۴	۱۲۹۷
اصفهان	۲۶۷۷۴	۳۴۳۴۵۹	۷۵۷۱۳	۲۱۸۵۳	۲۹۶۴۵	۷۷۹۱۲	۴۹۲۰۸	۴۷۰۰۹	-۲۱۹۹
ایلام	۴۸۴۷۶	۳۸۹۴۸	-۹۵۲۸	۳۷۷۸۴	۲۷۵۴۵	۱۰۲۳۹	۱۰۶۹۲	۱۱۴۰۳	۷۱۱
بوشهر	۸۱۱۴۶	۹۶۷۲۹	۱۵۵۸۳	۶۱۹۶۵	۶۱۶۸۵	-۲۸۰	۱۹۱۸۱	۳۵۰۴۴	۱۵۸۶۳
تهران	۹۳۵۴۷	۱۶۱۲۲۴	۶۷۶۷۷	۷۲۷۵۲	۱۴۳۶۶	۷۰۹۰۷	۲۰۷۹۴	۱۷۵۶۳	۳۲۳۰۵

-	۹	۴	۶	۰۵	۹	۱	۴	۳	
۳۲۶۷	۱۶۵۴۴	۱۳۲۷۷	۲۰۰۲۷	۳۳۱۰۵	۵۳۱۳۲	۱۶۷۶۰	۴۹۶۴۹	۶۶۴۰۹	چهارمحال بختیاری
۴۵۴۰	۱۷۴۹۴	۱۲۹۵۴	۱۶۵۳۸	۳۶۶۸۷	۵۳۲۲۵	۱۱۹۹۸	۵۴۱۸۱	۶۶۱۷۹	خراسان جنوبی
۱۳۲۸۴	۵۱۴۴۵	۶۴۷۲۹	۴۸۴۱۳	۲۸۰۱۳	۲۳۱۷۲	۳۵۱۲۹	۳۳۱۵۸۱	۲۹۶۴۵	خراسان رضوی
-	۴۱۹۳۷	۵۶۰۵۱	۸۸۱۳۷	۱۳۵۰۱	۲۲۳۱۵	۱۰۲۲۵	۱۷۶۹۵۵	۲۷۹۲۰	خوزستان تان
۸۴۲۱	۲۳۸۹۶	۱۵۴۷۵	۲۴۱۵۵	۵۶۴۷۷	۸۰۶۳۲	۱۵۷۳۴	۸۰۳۷۳	۹۶۱۰۷	زنجان
۱۶۷۳	۱۷۱۵۹	۱۵۴۸۶	۶۶۲۱	۵۷۲۹۵	۵۰۶۷۴	۸۲۹۴	۷۴۴۵۴	۶۶۱۶۰	سمنان
۲۹۰۰۷	۱۳۲۸۶	۴۲۲۹۳	۴۰۵۹۰	۶۴۴۴۷	۱۰۵۰۳	۶۹۵۹۷	۷۷۷۳۳	۱۴۷۳۳	سیستان و بلوچستان تان
-	۵۱۱۶۲	۴۸۷۹۱	۳۳۸۸۸	۱۴۱۲۸	۱۷۵۱۶	۳۱۵۱۷	۱۹۲۴۴۲	۲۲۳۹۵	فارس

			-	۰	۸	-		۹	
۶۸۶	۲۱۵۵۸	۲۰۸۷۲	۱۲۶۶	۷۷۵۲۰	۷۶۲۵۴	۱۹۵۲	۹۹۰۷۸	۹۷۱۲۶	قزوین
۱۱۶۹۱	۶۷۸۷	۱۸۴۷۸	۴۲۰۵۷	۱۳۳۸۲	۹۱۷۷۲	۳۰۳۶۶	۱۴۰۶۱۶	۱۱۰۲۵	قم
-				۹				۰	
۱۳۶۸۵	۱۹۴۴۰	۳۳۱۲۵	۴۴۹۸۶	۵۲۵۹۴	۹۷۵۸۰	۵۸۶۷۱	۷۲۰۳۴	۱۳۰۷۰	کردستان
-			-			-		۵	
-۴۹۰۹	۲۱۶۷۰	۲۶۵۷۹	۲۰۷۵۲	۷۷۲۷۴	۹۸۰۲۶	۲۵۶۶۱	۹۸۹۴۴	۱۲۴۶۰	کرمان
			-			-		۵	
۱۹۹۳۱	۲۳۴۲۹	۴۳۳۶۰	۹۸۹۸۱	۶۲۱۷۳	۱۶۱۱۵	۱۱۸۹۱	۸۵۶۰۲	۲۰۴۵۱	کرمانشاه
-			-		۴	-۲		۴	
									کهگیلوی
			۱۱۲۶۶			۱۵۱۰۹			و
-۳۸۴۳	۸۰۷۰	۱۱۹۱۳	-	۲۱۲۱۶	۳۲۴۸۲	-	۲۹۲۸۶	۴۴۳۹۵	بویراحم
									د
۱۹۰۶۳	۴۵۲۱۳	۲۶۱۵۰	۹۸۹۹	۸۲۹۹۸	۴۳۰۹۹	۲۸۹۶۲	۱۲۸۲۱۱	۹۹۲۴۹	گلستان
۳۹۴۲۵	۶۲۹۸۲	۲۳۵۵۷	۱۳۶۳۷	۱۴۲۰۱	۱۵۵۶۵	۲۵۷۸۸	۲۰۴۹۹۸	۱۷۹۲۱	گیلان
			-	۶	۳			۰	
-۷۰۴۱	۱۷۹۰۵	۲۴۹۴۶	۶۱۵۵۰	۵۷۵۷۴	۱۱۹۱۲	۶۸۵۹۱	۷۵۴۷۹	۱۴۴۰۷	لرستان

			-		۴	-		۰	
۴۸۲۶۲	۷۱۱۲۹	۲۲۸۶۷	۱۲۲۶۸	۱۲۸۳۷	۱۴۰۶۴	۳۵۹۹۴	۱۹۹۵۰۸	۱۶۳۵۱	مازندران
			-	۹	۷			۴	
۱۰۷۵۸	۲۶۴۰۳	۱۵۶۴۵	-۴۴۹۱	۱۱۰۷۴	۱۱۵۲۳	۶۲۶۷	۱۳۷۱۴۹	۱۳۰۸۸	مرکزی
				۶	۷			۲	
۲۲۰۴	۲۴۸۵۲	۲۲۶۴۸	۵۴۰۹	۹۱۴۱۸	۸۶۰۰۹	۷۶۱۳	۱۱۶۲۷۰	۱۰۸۶۵	هرمزگان
								۷	
۷۰۲۸	۳۳۷۷۴	۲۶۷۴۶	۹۴۸۲۳	۷۶۹۹۱	۱۷۱۸۱	۸۷۷۹۵	۱۱۰۷۶۵	۱۹۸۵۶	همدان
			-		۴	-		۰	
۱۳۳۹۱	۲۳۱۲۶	۹۷۳۵	۲۷۶۳۲	۸۰۷۶۹	۵۳۱۳۷	۴۱۰۲۳	۱۰۳۸۹۵	۶۲۸۷۲	یزد
۱۹۶۰	۱۸۹۲۲	۱۶۹۶۲	۲۷۱۶۸	۳۲۸۱۹	۵۹۹۸۷	۲۵۲۰۸	۵۱۷۴۱	۷۶۹۴۹	خراسان شمالی
			-			-			

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵

۱۲- پیامدهای اجتماعی حاشیه نشینی

حاشیه نشینی پدیده ای است که همواره تبعات مثبت و منفی بدنبال داشته است. در این نوشتار با پرداختن به دو دوره قبل یا در حین شکل گیری و نیز بعد از شکل گیری حاشیه نشینی مواردی چند از حاشیه نشینی را بر می شماریم:

الف- قبل یا در حین شکل گیری حاشیه نشینی

### ۱- تغییر کاربری اراضی

با عنایت به این که معمولاً کاربری اراضی که به عنوان حاشیه نشینی شکل گرفته غیر مسکونی است و ممکن است دارای کاربری های زراعی، باغات و فضای سبز باشد لذا اولین قدم در ایجاد حاشیه نشینی نقض مقررات مندرج در قانون حفظ کاربری اراضی زرعی و باغ ها مصوب ۱۳۷۴ و لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ و قانون منع واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی مصوب ۱۳۸۱ می باشد (در حال حاضر تعداد زیادی پرونده در شعبات مختلف دادگاه ها در این موارد تشکیل شده و در جریان رسیدگی است).

### ۲- تصرف عدوانی

مطابق ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی تصرف عدوانی جرم است و در صورت احراز شرایط مندرج در ماده مرقوم مرتکب به یک ماه تا یکسال حبس و رفع تصرف عدوانی محکوم خواهد شد. چون از خصایص اراضی حاشیه نشینی تصرف عدوانی و بدون اجازه مالک اصلی آن اراضی، توسط مهاجرین می باشد لذا طرح و اقامه دعاوی در این خصوص اعم از جنبه کیفری و حقوقی آن از معطلات دادگستری ها می باشد. معمولاً دلایل ارائه شده از سوی طرفین برای اثبات مالکیت، اسناد عادی یا شهادت شهود می باشد که از ناحیه هر دو طرف و بر علیه همدیگر ارائه می شود، رسیدگی و

احراز صحت ادعای هر یک از طرفین کاری سخت و طاقت فرسا و وقت گیر می باشد. پرونده های بسیاری در محاکم مطرح شده که معمولاً تأخیر در فصل خصومت در خصوص آن موجب بروز اختلافات و احياناً جرایم می شود. فروش مال غیر زمینی که اساساً مالکیت آن نسبت به فرد متصرف (حاشیه نشین) به اثبات نرسیده از ناحیه ایشان مورد تصرف و احداث و بناء غیر مجاز واقع می گردد و سپس مورد نقل و انتقال به وسیله اسناد عادی و حتی اسناد رسمی مالکیت که در اجرای مادتين ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اعطا شده، قرار می گیرد و مالک اصلی زمین که در مواردی دولت نیز می باشد در جریان این روند قرار می گیرد و به اسناد سند مالکیت رسمی خویش و دفتر املاک اداره ثبت در مقام اقامه شکایت بر می آید و چون در بیشتر موارد شخص متصرف (حاشیه نشینی) مشخص نمی باشد لذا در این موارد جرم انتقال مال غیر اتفاق افتاده و مرتکب را به اسناد قانون راجع به مجازات انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۷ و ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام از یک تا ۷ سال و نیز رد مال و هم چنین جزای نقدی معادل مال مزبور محکوم نمود.

### ۳- ساخت و سازهای غیر مجاز

هر چند مرجع صالح برای رسیدگی به ساخت و سازهای غیر مجاز کمیسیون های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری است ولی مطابق آیین نامه امور خلافی دادگستری نیز از حیث تعیین مجازات ارتکاب امر خلافی (ساخت و ساز غیر مجاز) که جریمه به مبلغ بسیار ناچیزی است صلاحیت رسیدگی دارد. همچنین در بسیاری از موارد در مقام مقابله پلیس ساختمان با ساخت و سازهای غیر مجاز، جرایم دیگری از جمله ضرب و شتم، توهین و اهانت، تهدید و تخریب به وقوع می پیوندد که همگی آمار



موجودی دادگستری ها را به شدت افزایش می دهند و موجب تراکم کار در این مرجع می گردند (مسعودی فر، ۱۳۸۵).

ب- بعد از شکل گیری حاشیه نشینی

۱- سرقت: سرقت از جمله جرایم علیه اموال است و جرم شناسان عللی را برای آن برشمرده اند از جمله فقر و نیاز مالی، بیکاری، اعتیاد، انتقام جویی، کینه و حسد. در واقع علل یاد شده را می توان در مناطق حاشیه نشین مشاهده نمود. در بیشتر موارد افراد در محل های مرفه نشین، یا متوسط شهر اقدام به سرقت می نمایند. تجربه نشان داده است که بیشترین متهمین پرونده های سرقت ساکن محلات حاشیه ای بوده اند. محلات حاشیه ای بهترین مکان جهت اخفاء اموال ناشی از سرقت می باشد. چون در این محلات کنترل پلیسی و انتظامی محدود است، لذا این محلات تبدیل به مأمن و سرپناهی امن برای مجرمین شده است.

صرف نظر از سرقت های شایع که بدان اشاره شد در مناطق حاشیه نشین سرقت برق، آب، گاز و تلفن و نیز شایع است. چون این مناطق خصوصاً در مراحل اول شکل گیری آن فاقد خدمات فوق هستند به نحوی از انحاء، با انجام سیم کشی ها و لوله کشی های پنهانی اقدام به سرقت آب، و برق، گاز و تلفن از نزدیکترین محل ممکن (اعم از مسکونی، صنعتی، تجاری و خدماتی) می نمایند که این اقدامات در قانون عنوان مجرمانه خاصی دارد و مطابق ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی که بیان داشته: هر کس بدون پرداخت حق انشعاب و اخذ انشعاب آب، برق، گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیر مجاز از آن نماید علاوه بر جبران خسارات وارده به تحمل تا ۲ سال حبس محکوم خواهد شد قابل مجازات است

(این اقدامات غیر مجاز در پاره ای از موارد منجر به وقوع حوادثی چون قتل و مصدومیت نیز می شود).

۲- **قتل عمد:** تعارض خرده فرهنگ ها، خصومت و اختلافات دیرینه، سودجویی و تحصیل اموال، جریمه دار شدن غیرت و آبرو و نزاع های اتفاقی و اعتیاد از جمله علل وقوع قتل می باشد. این علل و عوامل به روشنی در مناطق حاشیه ای قابل رویت است. بیشتر قتل های اتفاقی افتاده یا در این مناطق صورت می گیرد یا توسط کسانی که در این مناطق زندگی کرده اند به وقوع می پیوندند. در دادگاه ها نمونه های فراوانی از این نوع قتل ها وجود دارد. نمونه در یک محل حاشیه نشینی به لحاظ نفوذ رطوبت از ساختمان همسایه (معمولاً هر دو ساختمان به صورت غیر مجاز احداث شده) و به تیغ آن درگیری حادث و نهایتاً منجر به قتل همسایه شد.

۳- **نزاع های دسته جمعی:** از جرایم شایع در مناطق حاشیه ای می باشد زیرا ساکنین این مناطق معمولاً مهاجرین از روستاها و ایل ها می باشند که در یک محل و در نزدیک هم سکنی می گزینند و در مواقعی به سبب درگیری های جزئی حادث شده بین دو نفر و حتی کودکان نزاع های دسته جمعی شدیدی که معمولاً منجر به کشته و زخمی شده عده ای از منازعه کنندگان می شود، رخ می دهد. قتل هایی که در این نزاع ها اتفاق می افتد معمولاً ده درصد قتل های واقع شده می باشد. عدم نظارت و کنترل دقیق انتظامی و عدم امکان دسترسی سریع به پلیس را نیز می توان در وقوع نتایج تأسف بار این نزاع ها مؤثر دانست.

۴- **تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست:** ماده ۶۸۸ قانون اسلامی چنین داشته است: هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا

توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زباله در خیابان ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پساب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنان چه مطابق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

در مناطق حاشیه نشینی، فاضلاب منازل در کوچه ها رها شده، جدول کشی و کانال کشی مناسبی جهت هدایت این آب های کثیف وجود ندارد و این آب ها در سطح کوچه ها در جریان است. خدمات شهری مثل جمع آوری و دفع زباله به آن شکلی که در داخل شهر وجود دارد در این مناطق دیده نمی شود و در برخی از منازل احشام نگهداری می شود و فضولات آن در منزل و محله منتشر می شود. کشتارهای غیر مجاز و غیر بهداشتی در این مناطق صورت می گیرد و همه این موارد از مصادیق جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط زیست می باشد که قابل تعقیب کیفری هستند. تخلفات بهداشتی که در اماکن عمومی مناطق حاشیه ای مثل مغازه ها و نیز آلودگی های صوتی و آلودگی هوا که در این مناطق مشهود است نیز از همین نوع می باشد.

**۵- اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی:** توزیع مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان پذیر است که توزیع کنندگان این مواد در آن مناطق دارند. به لحاظ فقر و آگاهی ساکنین این مناطق و بیکاری وسیع برای رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای روحی و غیره میل به استعمال مواد مخدر در این مناطق بیشتر می باشد. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان شغل و حرفه خود را خرید فروش مواد مخدر قرار داده اند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می دهند و از این راه به کسب سود نائل می آیند.

ساخت مشروبات الکلی در منازل حاشیه ای شهر بیشتر به چشم می خورد و توزیع آن در همان منطقه یا محلات داخلی شهر صورت می گیرد بیشتر این جرایم و مصائب به لحاظ فقدان یا کمبود مرکز تأمین کمبود خدمات امنیتی و انتظامی اتفاق می افتد و عملاً این محلات تبدیل به مراکز امن و خالی از خطر برای افراد و گروه هایی شده که به شیوه های بزه کارانه و مجرمانه ارتزاق می نمایند. انزوای اجتماعی و نبود اعتماد سبب شده تا رفتارهای مشارکتی نیز در میان ساکنان مناطق حاشیه ای شکل نگیرد و امکان بهره برداری از ابزارهای مشارکتی نظارت و کنترل اجتماعی فراهم نگردد.

۶- جرایم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق: به لحاظ فقدان مالکیت رسمی و مشکلات جانبی آن در این مناطق همیشه جرایم یاد شده بوقوع می پیوندد و در صد بالایی از پرونده های مطرح شده در دادگاه ها نیز مربوط به همین جرایم و اختلافات است (مسعودی فر، ۱۳۸۵).

۷- مهاجرت، حاشیه نشینی و بزهکاری: با توسعه شهرنشینی در دهه های اخیر و افزایش مهاجرت از مناطق عشایر- روستایی به شهرها نوعی انبوهی و تراکم جمعیت در شهرها به وجود آمده و تحرک اجتماعی (مکانی- جمعیتی) را در برخی شهرهای کشور از جمله شهر مشهد سبب شده است. از یک سو تقابل قبیله زدایی در برخی گروه های مهاجر و اشتیاق وافر به طرد فرهنگ سنتی- بومی و پذیرش فرهنگ شهری، و از سوی دیگر وجود برخی تمایلات قبیله گرایانه ای این گروه ها و گرایش به حفظ ارزشها و هنجارهای سنتی آباء و اجدادی در محیط شهری، به علاوه تجربه اساس بی گروهی و حاشیه ای بودن، شرایط آنومیک را در جامعه شهری که در آن نرخ آسیب های اجتماعی بالاست، تشدید و تقویت کرده است. در حواشی شهرها کمبود امکانات رفاهی و اجتماعی زمینه و موقعیت بروز

بزهکاری را به وجود آورده که این مناطق با ویژگیهای منحصر به خود، مبارزه با بزهکاری در شهرها را با مشکل مواجه کرده است.

### ۱۳- تاثیر گسترش حاشیه نشینی بر ناامنی اجتماعی

احساس ناامنی در محله، تنها به دلیل جرایم خشونت آمیز نیست بلکه نابهنجاریها و رفتارهای اخلاص گرانه چون اعتیاد، ولگردی، تکدی گری و سرقت گذشته از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی اند به نوبه خود قطعا زمینه رواج گسترده جرایم را نیز فراهم می نمایند. همانطوری که اگر پنجره ای از ساختمان بشکند و همچنان تعمیر نشده رها گردد به زودی کل ساختمان منهدم خواهد شد. برای پیشگیری از انهدام اجتماع نیز باید به محض شکسته شدن اولین هنجار فوراً با هنجار شکن برخورد کرد. موضوع حاشیه نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم شناسان بوده. اینکه جرایم در مناطق حاشیه ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می افتد مورد پذیرش همه است حاشیه نشینی، نوعی از سکونت است که در آن افراد در مناطق مجاور شهر اقامت دارند و از حداقل امکانات و خدمات بی بهره اند البته باید گفت قید مجاور شهر در مواردی نقض می شود به این دلیل که شهرکهای اقماری در نواحی مجاور شهر باعث می شود حاشیه نشین ها بین نواحی شهری جای گیرند به این ترتیب آنچه می ماند فقدان برخورداری از حداقل امکانات و خدمات شهری برای ساکنان این مناطق است این امر باعث می شود برخی مناطق درون محدوده جغرافیایی شهر جزئی از حاشیه نشین ها تلقی شود. یا می توان گفت حاشیه نشین فردی است مهاجر یا غیر مهاجر که به دلیل فقدان ریاست و تخصص صنفی و نبود بنیان های مالی توانمند و طبقه و فرهنگ اجتماعی متناسب با طبقات و فرهنگ متعارف و لازم

شهری در حاشیه واقع شده است. این افراد بیشتر به علت عوامل رانش زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خویش را ترک کرده و به شهرها روی می آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر عوامل پس ران شهری از سوی دیگر از محیط شهری پس زده می شوند و به تدریج به کانون های به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر در قسمت هایی از شهر سکنی می گزینند به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری مغایر بوده و مالکیت آنها غالباً غصبی است و همچنین این افراد از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با جمعیت شهری تمایز دارند. حاشیه نشینی مشکلات اجتماعی موجود در شهرها را تشدید کرده و آنها را گسترده تر می سازد. وجود حاشیه نشینان در مناطق حاشیه ای شهرها به لحاظ تقاضا برای استفاده از منابع آموزشی و پرورشی می تواند موجب افزایش فشار بر منابع موجود در این زمینه می شود و یا اینکه سطح بی سوادی را افزایش می دهد. و پدیده ها و معضلات اجتماعی چنانچه بدون برنامه ریزی و بصورت بنیادین و ریشه ای با آنها برخورد نشود موجب پیدایی آنها در شکل و شمایل دیگر خواهد شد.

#### ۱۴- تأثیر حاشیه نشین ها بر آسیبهای اجتماعی

حاشیه نشین ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند، فقدان نظارت امنیتی کافی وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق همه باعث می شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند و تا زمانی که این عوامل زمینه ساز وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند. جوانان حاشیه نشین با فرهنگ ویژه روزها عازم مرکز شهر می شوند تا کاری دست و پا کنند. با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی، عمدتاً

به کار دستفروشی، پهن کردن بساط، سیگار فروشی، کار در میدان تره بار و... می پردازند و به این ترتیب به صورت زائده فعالیت‌های شهری در می آیند. این مشاغل غیر تخصصی و زائد خود به عنوان یک عامل سوق دهنده بسوی جرم عمل می کنند. به عنوان مثال در یک مطالعه مربوط به مشاغل افراد معتاد، همه افراد نمونه مشاغل کاذب و غیر تخصصی داشتند. از دیگر جرائم مطرح در حاشیه نشین ها وجود دارد منکراتی است که به دلیل بروز بیماریهای تناسلی و ایدز، اهمیت خاص دارد.

#### ۱۵- نتیجه گیری

آنچه که اکنون بعنوان حاشیه نشینی شناخته شده جزء جریان دیرپا و تاریخی مهاجرت جمعیتی جویای کار و رفاه و گریزان از روستاها و شهرهای کوچک بلحاظ دافعه های آن و نیز پس رانده شدن فقرا از درون شهرها به حاشیه آن، چیز دیگری نیست و این فرایند معلول طبیعی توسعه است و تا زمانی که حاشیه ها در برابر شهرها قرار گیرد حاشیه نشینی پدیده ای ناهنجار و ناپذیرفتنی است ولی زمانی که به پیشینه تاریخی این پدیده نگریسته شود آن را یک جریان دائمی، ماندگار و گریز ناپذیر و حتی به عقیده برخی کارشناسان لازم و مفید برای توسعه می دانند. پس این عقیده که باید مناطق حاشیه نشینی را تخریب کرد قابل دفاع نمی باشد و می بایست با ساماندهی آن و فراهم کردن امکانات مورد نیاز برای حاشیه نشینان و کم کردن فاصله و خلاء موجود بین آنها و شهرنشینان اقدام کرد و این امور که از لوازم و مقدمات پیشگیری و کاهش میزان جرایم در این مناطق است امکان پذیر نمی باشد مگر با مشارکت و همکاری و همدلی کلیه دستگاه های مسئول.

اگر چنین مشارکتی صورت پذیرد و راهکارهای توصیه شده در قبل بکار گرفته شود مطمئنا نظاره گر ایجاد و گسترش حاشیه نشینی در کشور و به تبع آن گسترش جرم و جنایات نخواهیم بود. مناطق

حاشیه نشین در شهرها هر چند که به صورت بی رویه، کنترل و سازماندهی نشده بوجود آمده است ولی از دید اجتماعی ضروری است که با شناخت مسایل و مشکلات حاشیه نشینان به طور عام و کنترل و تنظیم خانواده به طور خاص راه حل اساسی در ارتباط با رفع نیازهای بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این قشر عظیم که بصورت بیمارگونه در شهرها بوجود آمده است جستجو و اعمال گردد. تا ضمن رفع مسایل و مشکلات فردی و خانوادگی به حل مسایل و مشکلات شهری هم تا حدودی مساعدت شود. از طرفی دیگر امروزه هر چند مسئولین به امر تنظیم خانواده دقت و توجه خاصی دارند، اما در مناطق حاشیه نشین به دلایل ساختار فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی هنوز سطح باروری زنان در مقایسه با سایر زنان شهری از میزان بالاتری برخوردار می باشد که این امر در بلند مدت در گسترش حاشیه نشینی و افزایش مشکلات شهری نقش موثری خواهد داشت (فخیمی، ۱۳۸۸).

#### ۱۶- راهکارهای عملی

در این زمینه باید به دو اصل توجه داشت یکی ریشه یابی مشکلات اجتماعی نظیر حاشیه نشینی و دیگری برنامه ریزی علمی برای بر طرف نمودن موانع و عوامل پیدایی و گسترش یک پدیده اجتماعی است.

در برخورد با پدیده حاشیه نشینی باید به جای توجه به معلول، بروز علت ها را مورد بررسی قرار داد و با برنامه ریزی جامع و علمی برای بر طرف کردن این پدیده تلاش کرد. بنابراین امکان از بین بردن این معضل اجتماعی وجود دارد به شرط اینکه شناخت و برنامه ریزی علمی جانشین برنامه ریزی مقطعی، ظاهری و یا ساده پنداری شود.



اختلاف سطح توسعه در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا یکی از عوامل عمده مهاجرت روستاییان به شهرها و در نتیجه بروز گسترش پدیده حاشیه نشینی است و تا زمانی که این اختلاف سطح از بین نرود، همچنان مهاجرت از روستا به شهرها و نیز ایجاد مناطقی به نام حاشیه ادامه دارد.

از بین بردن اختلاف سطح میان روستا و شهر بدین معنا نیست که روستاها به شهر تبدیل شوند و یا همه امکاناتی که در شهرها وجود دارد باید در روستاها فراهم شود بلکه باید امکانات در زمینه های یاد شده که موجب این اختلاف سطح گردیده در معیاری معقول و مناسب در روستا ایجاد شود تا موجب اقامت و ماندگاری روستاییان در روستاها و نیز مانع مهاجرت های انبوه آنان به شهرها شود.

در زمینه های چهار گانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باید اول اولویت با روستاها باشد تا اختلاف سطح توسعه از بین برود و پس از اینکه در زمینه های یاد شده میان شهرها و روستاهای کشورمان به سطحی برابر دست یافتیم آنگاه می توانیم بطور مساوی شهرنشینان و روستاییان را از امکانات توسعه بهره مند سازیم. در صورت محقق شدن این هدف، روستاییان بصورت توده ای نیازی به مهاجرت به شهرها برای خود نمی بینند.

#### ۱۷- پیشنهاد های اجرایی

۱- ارتقاء کیفیت سکونت از طریق اعطاء برخی امکانات و تسهیلات و سعی در تطبیق منازل و محلات با اصول و معیارهای شهرسازی صورت پذیرد. سرمایه گذاری در این مناطق به صورت تفریحی و بدون هیچگونه چشم داشت و بدون توجه به توجیه اقتصادی و درآمدزایی برای دستگاههای مربوط از جمله شهرداریها صورت پذیرد.

- ۲- احداث معابر و گذرگاهها در این مناطق که امکان دسترسی آسان و فوری پلیس و نیروهای انتظامی و اکیپ های امداد مثل خودروهای آتش نشانی و اورژانس و غیره را فراهم نماید.
- ۳- ایجاد روشنایی کافی در کوچه ها و معابر. تجربه نشان داده که در مکانهای تاریک امکان ارتکاب جرم از جمله سرقت و جرح و قتل بیشتر از مکانهای روشن است و وجود روشنایی کافی در این مناطق خود فی النفسه عامل و رادعی در ارتکاب جرایم ذکر شده خواهد بود.
- ۴- شناسایی ارازل و اوباش و مجرمین سابقه دار این مناطق و تشکیل شناسنامه برای نامبردگان و تحت کنترل قرار دادن آنها از طریق احضارهای اتفاقی به مراجع انتظامی.
- ۵- بالا بردن ضریب امنیتی مناطق یاد شده توسط مراجع انتظامی و امنیتی از طریق ایجاد کلانتریها و مراکز انتظامی و حضور مرتب گشت های سیار در محلات و معابر.
- ۶- تعطیلی سریع مراکز صنفی فاقد مجوز و پروانه کسب و الزام آنها جهت اخذ مجوز و پروانه کسب و الزام آنها جهت اخذ مجوزهای لازم و سپس نظارت کامل و دقیق نسبت به فعالیت مراکز یاد شده و برخورد قاطع با افراد متخلف توسط واحدهای اماکن عمومی نیروی انتظامی.
- ۷- زیباسازی ظواهر ساختمانها و بناهای موجود در این مناطق چرا که ثابت شده مسکن بد و کثیف تاثیر در وقوع جرم دارد.
- ۸- ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم جهت پرکردن اوقات فراغت ساکنین مناطق حاشیه نشین.
- ۹- بازرسی و نظارت کافی کارشناسان بهداشت و محیط زیست از مناطق حاشیه نشینی و جلوگیری از انجام اقدامات علیه بهداشت عمومی و محیط زیست.

۱۰- در تصویب طرحها و برنامه های و پروژه های مهم شهری از نظرات مشورتی جامعه شناسان،

حقوقدانان و علی الخصوص جرم شناسان استفاده شود.

۱۱- نهادینه کردن مشارکت های مردمی؛ با توجه به شرایط کنونی کشورمان، نهادینه کردن اصل

مشارکت های مردمی در مدیریت حاشیه نشینی و حل مسایل آن از الزاماتی است که باید به آن

پرداخته شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الی قمشه ای.
- اسکلدون، رونالد (۱۹۹۶) مهاجرت روستائیان به شهر و اثرات آن در کاهش فقر روستایی، ترجمه حمیدرضا وجدانی، اندیشگاه شریف.
- ابراهیمی فر، نبی‌الله (۱۳۷۲). تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲.
- پاپلی یزدی، محمد حسین. (۱۳۸۲). نظریه های مرکز و پیرامون، انتشارات سمت تهران.
- خوش فر غلامرضا. (۱۳۷۸). نقش امنیت در تحقق قانونگرایی در جامعه، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۱۴۳-۱۴۴.
- دویران، اسماعیل. (۱۳۸۸). حاشیه رانده شدن، مساله اسکان غیررسمی و اقتصاد سیاسی، انتشار یافته در همایش سکونتگاه های غیررسمی: چالش ها - راهبردها (بامحوریت منطقه کلانشهری تهران) اسفند ماه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آناتومی جامعه، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- رهنمایی، محمد تقی (۱۳۸۲) مجموعه مباحث و روش های شهرسازی، جغرافیا، چاپ سوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- زنجانی، حبیب اله. (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: سمت.
- زنگی آبادی، علی. (۱۳۷۱). توسعه فیزیکی شهر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

- ستوده، هدایت الل. (۱۳۸۴). جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، انتشارات ندای آریانا.
- سعیدی، عباس. (۱۳۸۰) مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵
- سرشماری عمومی مسکن و شهرسازی سالهای ۳۵-۴۵-۵۵-۶۵-۷۵
- شکویی، حسین. (۱۳۸۰). دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت.
- شیخی، محمد(۱۳۸۲). سکونت گاه های خودرو ، گذار از حاشیه نشینی به الگویی از سکونتگاه پیرامون کلان شهرهای ایران؛ مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۵). مقدمه ای بر برنامه ریزی شهری، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- عزیزی □ محمد مهدی(۱۳۷۸) □ جزوه پلی کپی درس برنامه ریزی مسکن؛ مقطع کارشناسی ارشد؛ دانشگاه تهران، گروه شهرسازی.
- غلامزاده نطنزی، امیر حسین. (۱۳۸۳). اخلاق شهروندی و تأملی بر وضعیت آنومیک جوانان در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی جوانان، دانشگاه تهران.
- کاوه، مصطفی. (۱۳۸۵). نگاهی به رضایتمندی حاشیه نشینان از زندگی در شهر (مطالعه موردی: گسترش شهر نشینی و تاثیر گسترش حاشیه نشینی بر امنیت اجتماعی).
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت، انتشارات نوید شیراز.
- مسعودی فر، بی نام (۱۳۸۵)، تأثیر حاشیه نشینی در وقوع جرم.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). نتایج سرشماری عمومی نفوس مسکن سال ۱۳۸۵.

- محمدی، علیرضا (۱۳۸۸). ظرفیت سازی اجتماع محور: پشتوانه ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی، انتشار یافته در همایش سکونتگاه های غیررسمی: چالش ها - راهبردها (بامحوریت منطقه کلانشهری تهران) اسفند ماه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.

- نظافتی، ایرج. (۱۳۸۹) بحران حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ - حاشیه نشینی تهدید امنیتی، سایت اینترنتی:

<http://urbanism1388.blogspot.com/pages/6> (تاریخ مراجعه: اسفند ۱۳۸۹).

- نقدی، اسداله و رسول صادقی (۱۳۸۶) حاشیه نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.

1- Westaway□ Margaret s.(2006)Alongitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in informal south African housing settlement□Dornkop□soweto. Habitat International□Vol 30 :pp 175-189.

<http://www.tebyan-ardebil.ir/description.aspx?id=480>

<http://www.edalatkhahi.ir/003977.shtml>

<http://urbanism1388.blogspot.com/pages/6/>

<http://news.police.ir/NCMS/fullstory/?id=191668>